یکشنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

برخی تحلیلگران، اتفاق‌های اخیر در شهر حلب سوریه را نتیجه یک بازی پشت صحنه روس‌ها می‌دانند، شواهد متعددی در ردّ این ادعا وجود دارد

معامله‌ای در کار نیست

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

شکسته شدن پیاپی خطوط دفاعی ارتش سوریه در حلب، سقوط تعداد بالایی از شهرها و روستاهای منطقه و مهم‌تر از همه، تسلط تروریست‌ها بر ۷۰ درصد شهر حلب باعث شده تا تحلیل‌های مختلفی در این خصوص به رسانه‌ها راه یابند. سرعت بالای پیشروی تروریست‌ها باعث شده تحلیلگران، ناظران و افکار عمومی دلیل آن را خیانت در صفوف ارتش سوریه و یا معامله روسیه با غرب و ترکیه معرفی کنند. این درحالی است که اتفاقی که در حلب رخ داده، پیش از این نیز بارها در سوریه تکرار شده است. گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه، بنا به مسائل متعددی بر ارتش این کشور برتری داشته‌اند.

این گروه‌های تروریستی دارای نیروهای داوطلبی هستند که با دیدگاه‌های ایدئولوژیک اسلحه در دست گرفته‌اند و بخش قابل توجهی از نیروها و فرماندهانشان سوابقی طولانی از نبردها در افغانستان، چچن، آسیای میانه و آفریقا دارند. در این میان باید در نظر داشت که تروریست‌های حاضر در سوریه از سراسر جهان جمع‌آوری شده‌اند، به گونه‌ای است که مسلمانان غرب‌نشین نیز به وفور در میان آن‌ها یافت می‌شوند. در مقابل، ساختار عمومی ارتش سوریه از سربازانی تشکیل شده که بنا به دلایل قانونی به خدمت سربازی فراخوانده شده و به غیر از آموزش‌های نظامی معمول و حضور در درگیری فروکش کرده این کشور، صحنه‌های دیگری را تجربه نکرده‌اند.

آنچه باعث کُند شدن سرعت پیشروی تروریست‌ها در دوره‌های قبلی جنگ سوریه شده و در ادامه به آزادسازی بسیاری از مناطق اشغالی منتهی گشت، تشکیل بسیج مردمی در قالب «نیروهای دفاع وطنی»، حضور یگان‌هایی از محور مقاومت از افغانستان، پاکستان، عراق و لبنان تحت هدایت مستشاران نظامی ایرانی و همچنین فعالیت یگان‌های زبده ارتش سوریه بود. ارتش سوریه دارای دو یگان زبده با نام لشکر چهارم زرهی یا سپاه چهارم تحت فرماندهی ژنرال ماهر الاسد، برادر رئیس جمهور و نیروهای لشکر ۲۵ نیروی ویژه مشهور به نیروهای ببر است. نکته مهم آنکه فعالیت تمام این یگان‌ها زمانی پرثمرتر شد که روسیه با قوای هوایی خود وارد نبردها شد.

با تفاوت‌هایی تقریباً همان رویه در حال تکرار است. تروریست‌های تکفیری خشن با هدایت فرماندهانی پرسابقه به دل یگان‌های عادی ارتش سوریه زده و به سرعت پیشروی کرده‌اند. در میان خطوط دفاعی حلب، تنها یگان‌های معدودی از گروه‌های مقاومت حضور داشته و نیروهای روسی نیز در قالب ناظران منطقه کاهش تنش، در تعدادی اندک در مناطق مراقبتی حاضر بوده‌اند.

خیانتی به معنای خاص خود وجود ندارد. نیروهای ارتش در خطوط مقدم به دلیل آتش بالای تروریست‌ها که امروز به تجهیزات پیشرفته‌تری مجهزند، شهدا و اسرایی داشته‌اند؛ در نتیجه با آشکار شدن پایان کار، آن‌ها فوراً دستور عقب‌نشینی دریافت کردند تا در شرایطی که سقوط حتمی است، کشته و اسیر بیشتری ندهند. با وقوع این تحولات، یگان‌های قوی ارتش سوریه به همراه گروه‌های مقاومت از جنوب و شرق سوریه به حلب اعزام شده و گروه‌های بیشتری در راهند.

وضعیت نبرد به گونه‌ای پیش نرفت که فرصت و امکانی برای استقرار یگان‌های جدید و قوی‌تر در خطوط دفاعی شمال و غرب شهر حلب پیش آید و از این رو آن‌ها در بخش‌های دیگر حلب که قابلیت ایجاد خطوط دفاعی جدید، مستحکم و مطمئن داشته، مستقر شدند.

روسیه نیز علی‌رغم گرفتاری‌هایش در اوکراین، عملیات هوایی سنگینی را کلید زده است. جنگنده‌های روس روز گذشته (شنبه ۱۰ آذر) دو عملیات بزرگ اجرا کردند. آن‌ها دو محل تجمع تروریست‌ها را یکی در شهر جسر الشغور در حومه غربی ادلب و دیگری را در میدان باسل شهر حلب هدف قرار دادند. در حمله حلب که تصاویر آن به طور گسترده‌ای در رسانه‌ها منتشر شده است، بیش از ۳۰ تروریست مستقر در میدان کشته شده و ده‌ها نفر دیگر زخمی شده‌اند. این نیروها برای اعمال قدرت، نظارت بر حکومت نظامی غیررسمی در شهر و همچنین شادی در میدان تجمع کرده بودند که طعمه جنگنده‌های روس شدند.

روسیه پیش از حمله به حلب بمباران تروریست‌ها را آغاز کرده بود

روسیه از چند ماه قبل و با توجه به افزایش فعالیت تروریست‌ها در استان ادلب -مرکز اصلی تجمع تروریست‌ها در سوریه- برنامه‌ای برای بمباران سنگین مواضع آن‌ها طرح‌ریزی کرد، اما در اوایل اجرای این برنامه، به دلیل فشارها آن را رها کرد.

گفته می‌شود دولت ترکیه به دولت سوریه فشار آورده بود در ازای تعامل در حوزه سیاسی، خواهان توقف بمباران ادلب شود. این عملیات‌ها تا اندازه‌ای مهم و مؤثر بودند که منابع نزدیک به تروریست‌ها تلاش دارند با اتکا به حجم بالای بمباران‌های صورت گرفته، روسیه را ناقض توافق کاهش تنش نشان دهند و از آن توجیهی برای حمله خود به حلب بسازند. عملیات پیشینی روسیه به همراه افزایش بمباران‌هایش در روزهای اخیر نشان می‌دهد روس‌ها برخلاف ادعاها، تاکنون حاضر به معامله نشده و همچنان قائل به نبردند.

روسیه در چه شرایطی می‌جنگد؟

روسیه در وضعیتی می‌جنگد که در جنگ با اوکراین گرفتاری‌های زیادی دارد. چند ماه است که بخش‌هایی از استان کورسک در داخل روسیه توسط ارتش اوکراین به تصرف درآمده است. روس‌ها هرچند قسمتی از مناطق تصرف شده را پاکسازی کرده‌اند اما اوکراینی‌ها همچنان در مناطق قابل توجهی حضور دارند. در ابتدای نفوذ اوکراین به کورسک، روسیه روی مبارزان چچنی برای جلوگیری از پیشروی بیشتر اوکراینی‌ها حساب باز کرد و چندی است برای به عقب راندن نشان هزاران سرباز از کره‌شمالی را در این استان مستقر کرده است. مسکو با وجود گرفتاری‌های مهمی که در سرزمین اصلی‌اش و مرزهای مجاور خود دارد، همچنان در سوریه می‌جنگد.

نوع حضور روسیه چگونه است؟

مأموریت اصلی روسیه در سوریه از ابتدای ورودشان تاکنون، عملیات هوایی بوده است. روس‌ها خود درخواست کرده بودند تعدادی از یگان‌های زمینی خود را برای تطبیق با نبردهای جدید، کسب تجربه و همچنین قدرت‌نمایی بیشتر در عرصه جهانی وارد نبرد کنند.

این نیروهای زمینی وظیفه دفاع از پایگاه‌های دائمی و موقت روسیه و عملیات مشترک با یگان‌های سوری را برعهده دارند.

وظیفه دیگر آن‌ها، گشت و دیده‌بانی در مناطق کاهش تنش بوده که در قالب گفت‌وگوهای آستانه میان ایران، روسیه و ترکیه ایجاد شده است.

خطر توطئه بازیگر بزرگ

حمله به حلب با عاملیت ترکیه و تروریست‌های وابسته به این کشور اجرایی شده، اما رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور این کشور آن را به دستور آمریکا و برای نجات رژیم صهیونیستی اجرایی کرده است. اگر تنها اهداف ترکیه در حمله به حلب وجود داشتند، می‌شد آن را به توسعه‌طلبی‌های منطقه‌ای محدود کرد، اما نبرد کنونی عرصه تلاش برای تحقق اهداف آمریکاست که طمع‌ورزی‌های گسترده‌تری دارد.

روسیه می‌داند زمانی که دستان آمریکا در کار است، دیگر دایره توسعه‌طلبی‌ها به شمال عراق و سوریه منحصر نمی‌شود، بلکه در نقشه‌ای کلان، ضربه سنگین به منافع مسکو مدنظر است. آمریکا که برای روس‌ها در اوکراین تنگنا ایجاد کرده، می‌داند انعکاس قدرت جهانی روسیه از طریق حضور این کشور در سوریه امکان‌پذیر شده و با تحقیر مسکو در این زمینه، می‌توانند آن را از بین ببرند. هدف دیگر واشنگتن، کشاندن بحران به قفقاز است تا در ادامه قفقاز شمالی در خاک روسیه هم به محل جولان تروریست‌ها تبدیل شود.

خطر تلاش‌ها برای سوق دادن روسیه به معامله

مهم‌ترین خطری که سوریه و منافع روسیه را تهدید می‌کند، تلاش غرب برای افزایش فشارها بر این کشور است تا کرملین حاضر به معاله بر سر سوریه شود. اگر علی‌رغم تلاش دمشق و متحدانش، حلب و یا حتی حماه سقوط کند، غرب به مسکو پیشنهاد خواهد کرد در صورت توقف حملاتش به تروریست‌ها و به‌رسمیت شناختن غیررسمی قلمرو جدیدشان در سوریه، آن‌ها نیز فشارهایشان بر حضور نظامی روسیه در متصرفاتش در اوکراین را کاهش خواهند داد.

روسیه اگر چنین پیشنهادی را بپذیرد، سرنوشتی همانند شوروی خواهد یافت؛ با این تفاوت که دیگر سرزمین قابل توجهی برای عقب‌نشینی وجود ندارد. در اواخر جنگ سرد، روس‌ها پذیرفتند با عقب‌نشینی از شرق اروپا، بلوک شرق را منحل کنند، اما بدون تحرکات نظامی، امواج ایجاد شده به داخل سرزمین‌های شوروی کشیده شده و آن را نیز فروپاشاند.

سرایت بحران از سوریه به قفقاز و از آن طریق به نواحی جنوبی مسکو، می‌تواند علاوه بر آنچه ولادیمیر پوتین، بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیکی قرن بیستم خوانده، بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم را هم برای روس‌ها رقم بزند.

رهبر گروه تروریستی تحریرالشام کیست؟

الجولانی؛ تروریستی از جنس بن لادن

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

حمله برق‌آسای روز بیست‌وهفتم نوامبر (۷ آذرماه) تروریست‌ها به حلب گرچه مردم عادی منطقه خاورمیانه را حیرت‌زده کرد، اما برای بسیاری از کارشناسان و استراتژیست‌ها تعجب‌آور نبود. آن‌ها که تحرکات تروریست‌ها در شمال جغرافیای کشور سوریه را رصد می‌کردند از ماه‌ها پیش خطر یک ائتلاف از تمام نیروهای سلفی و معارض را گوشزد می‌کردند. با اعلام نام «محمد الجولانی» به عنوان سرکرده هیئت تحریر الشام، به عنوان رهبر اتاق عملیات این حمله، ماهیت تکفیری تروریستی این معارضان آشکار شد.

گرچه حالا تلاش می‌شود سابقه تروریستی تکفیری هیئت تحریر الشام و رهبر آن الجولانی، انکار شود اما نگاهی به پیشینه این گروه و بررسی سوابق الجولانی از واقعیت هولناک مغز متفکر اتاق عملیات آنان پرده‌برداری می‌کند.

مختصر از هیئت تحریر الشام

این گروه‌ک نتیجه ادغام کامل پنج گروه در یک ساختار نظامی واحد است: جبهه فتح الشام، حرکة نورالدین زنکی، لواء الحق، جبهه أنصارالدین و جیش السنة. علاوه بر این، چند گردان، تیپ و شخصیت‌های دعوتی نیز به آن پیوسته‌اند. این گروه تروریستی روند آستانه (ایران، روسیه و ترکیه) را رد کرده و آن را بخشی از توطئه علیه آنچه آن را «انقلاب سوریه» می‌خواند، می‌داند.

هیئت تحریر الشام ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷ پس از آغاز مذاکرات آستانه بین دولت سوریه و مخالفان با مشارکت روسیه، ترکیه و ایران اعلام موجودیت کرد. در این زمان، نیروهای مخالف نظام سوریه بر سر مشارکت یا عدم مشارکت در این مذاکرات دچار اختلاف شدند و این اختلاف به درگیری‌هایی میان برخی گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه منجر شد.

طبق بیانیه‌ای که این گروه‌ها در اینترنت منتشر کردند، این ادغام به دلیل آنچه آنان آن را «توطئه‌هایی علیه انقلاب سوریه» و «درگیری‌های داخلی که موجودیت آن را تهدید می‌کند» می‌خواندند، صورت گرفته است. در این بیانیه، از گروه‌های فعال در صحنه جنگ سوریه دعوت شده بود تا به این گروه پیوسته و دستاوردهای انقلاب! و جهاد! را حفظ کنند.

این ادغام چند روز پس از اعلام پیوستن پنج گروه دیگر به حرکت احرار الشام صورت گرفت که عبارتند از ألویة صقور الشام، جیش الإسلام- بخش ادلب، جیش المجاهدین، تجمع «فاستقم کما أمرت» و الجبهة الشامیة- بخش حومه غربی حلب.

زمینه‌ها

اعلام تشکیل هیئت تحریر الشام در شرایط عقب‌نشینی‌ها و شکست‌های متوالی نظامی نیروهای ارتش آزاد سوریه صورت گرفت که مهم‌ترین آن‌ها فتح شهر حلب، بزرگ‌ترین شهر شمال سوریه، به دست دولت سوریه و کوچاندن معارضان ساکن آن بود.

جبهه فتح الشام (جبهه النصرة سابق) که مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه این گروه جدید بود، مذاکرات آستانه را بخشی از توطئه علیه سوریه دانسته و تأکید کرده بود که مسیر سیاسی همراه انقلاب! از ابتدا به اهداف آن خدمت نکرده، بلکه زنجیره‌ای از آنچه توطئه خوانده شده، بوده است.

این جبهه، حمایت روسیه از مذاکرات آستانه را تحقیر کردن مردم سوریه دانست و تأکید کرد روسیه، سوریه را اشغال و بسیاری از شهرهای آن را بمباران و تخریب کرده است، درنتیجه درگیری‌های نظامی میان جبهه فتح الشام و گروه‌های سوریه‌ای دیگر بر سر مشارکت در مذاکرات آستانه آغاز شد که درنهایت از جمله عواملی بود که به تشکیل این تشکل جدید منجر شد.

هاشم الشیخ (ابوجابر)، که پیش‌تر ریاست حرکت احرار الشام را برعهده داشت، به‌عنوان رهبر تشکل جدید انتخاب شد. او پس از جدا شدن از حرکت احرار، به هیئت جدید پیوست و رهبری آن را برعهده گرفت.

ری برند می‌کنم، پس هستم

هیئت به طور رسمی از اعلام یک خط ایدئولوژیک خاص خودداری کرده و علی‌رغم اتصال‌های غیرقابل انکار ایدئولوژیکش به القاعده و جبهه النصره بر این نکته تأکید دارد یک گروه مستقل است و نماینده گروه‌های قبلی نیست. هیئت اعلام کرده تشکیل آن گامی است که در آن تمامی نام‌ها و عناوین ذوب شده‌اند. اولویت اصلی هیئت، سرنگونی دولت سوریه اعلام شده است. این گروه خود را «مرحله‌ای جدید از انقلاب سوریه می‌داند که در آن اختلافات پایان یافته و پیروزی‌ها بازخواهد گشت.»

رهبر هیئت، هاشم الشیخ اعلام کرد این گروه به دنبال متحد کردن تمام نیروهای ضددولتی سوریه‌ای در یک ساختار واحد و تحت یک رهبری مشترک برای هدایت فعالیت‌های سیاسی و نظامی انقلاب است تا به هدف خود، یعنی سرنگونی نظام و آزادسازی تمامی اراضی سوریه دست یابد.

وی در یک پیام ویدئویی در فوریه ۲۰۱۷ که اولین حضور او پس از تصدی این سمت بود، اعلام کرد نیروهای هیئت عملیات نظامی علیه نیروهای دولت سوریه را از سر خواهند گرفت. او ادعا کرد تشکیل هیئت مرحله‌ای جدید از انقلاب سوریه است و این تشکل پروژه‌ی خود را با احیای فعالیت‌های نظامی علیه نظام سوریه آغاز خواهد کرد. علی‌رغم این اهداف اعلامی اما این تشکل از توضیح پیشینه تروریستی و تکفیری اعضای اصلی و رهبرانش سر باز زده است.

الجولانی؛ از بیعت با بن لادن تا البغدادی

ابومحمد الجولانی، رهبر این گروه تروریستی از سوریه برای پیوستن به گروه القاعده در عراق به این کشور منتقل و هنگامی که اعتراضات در سوریه آغاز شد، این گروه او را در اوایل ۲۰۱۲ به سوریه فرستاد تا جبهه النصرة را به عنوان شاخه‌ای از القاعده تشکیل دهد و در سرنگونی نظام سوریه مشارکت کند. او در سال ۲۰۱۶ ارتباط خود با القاعده را قطع کرد و نام گروه خود را به «جبهه فتح شام» تغییر داد.

«اسامه العبسی الواحدی» معروف به ابومحمد الجولانی یا «فاتح»، در سال ۱۹۸۱ میلادی در بلده شحیل در دیر الزور به دنیا آمد. او از خانواده‌ای اهل استان ادلب است و در دوران نوجوانی به همراه خانواده‌اش به ادلب نقل مکان کرد. وی تحصیلات دبیرستان را در ادلب گذراند و سپس در دانشکده پزشکی این شهر مشغول به تحصیل شد. بعد از دو سال تحصیل در رشته پزشکی، به عنوان معلم زبان عربی به کار پرداخت. روایت دیگری هم وجود دارد که نام واقعی او احمد حسین علی الشرع بوده و اصل او به منطقه جولان بازمی‌گردد. پس از آن، او به دمشق نقل مکان و یک سال در دانشکده رسانه این شهر تحصیل کرد.

گرایش فکری

الجولانی هرگز ارتباط خود را با جریان «سلفیه جهادی» به ویژه «گروه القاعده» که به شاخه آن در عراق پس از اشغال آمریکا در ۲۰۰۳ پیوسته بود، پنهان نکرد. او تحت رهبری ابومصعب الزرقاوی و جانشینان او فعالیت می‌کرد و سپس با ایمن الظواهری، رهبر القاعده بیعت کرد و گفت طبق دستورات او عمل می‌کند تا اینکه در جولای ۲۰۱۶ اعلام کرد گروهش ارتباط خود را با القاعده قطع کرده است.

کارخانه رادیکال‌سازی

جولانی زمانی که هنوز دانشجو بود، برای شرکت در خطبه‌های نماز جمعه- که محمود قول آغاسی (ابوالقعقاع) در «مسجد العلاء بن الحضرمی» در صاخور حلب می‌خواند- از دمشق به حلب می‌آمد. پس از حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، آغاسی فراخوان داد که باید دربرابر این حمله مقاومت کرد. جولانی از اولین کسانی بود که به این فراخوان پاسخ داد و در جنگ با نیروهای آمریکایی در عراق شرکت کرد. او مسئول تأمین راه‌ها در سوریه برای افرادی بود که قصد داشتند در این جنگ شرکت کنند.

جولانی به گروه وابسته به القاعده که توسط ابو مصعب الزرقاوی اردنی تأسیس شده بود، پیوست و با اسامه بن لادن اعلام بیعت کرد. او به سرعت در صفوف این گروه پیشرفت کرده و به یکی از نزدیک‌ترین افراد به الزرقاوی تبدیل شد. پس از کشته شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ در حمله هوایی آمریکا، جولانی به لبنان رفت و به نظر می‌رسد که در آنجا نظارت بر آموزش جند الشام که با القاعده مرتبط بود را بر عهده داشت. سپس به عراق بازگشت و در زندان بوکا زندانی شد، اما در سال ۲۰۰۸ آزاد شد و به رهبری عملیات‌های القاعده در موصل رسید.

پس از آغاز تحرکات علیه نظام سوریه، جولانی در ژانویه ۲۰۱۲ اعلام کرد که جبهه النصره برای اهل شام را تشکیل داده است که بعدها به نام جبهه النصره شناخته شد. الجولانی از زادگاه خود، الشحیل به عنوان پایگاهی برای فعالیت این جبهه استفاده کرد و از مردم سوریه خواست که جهاد! کرده و سلاح به دست گیرند تا حکومت سوریه را سرنگون کنند. از آن پس او در ادبیات جبهه به عنوان مسئول کل جبهه النصره شناخته شد.

این گروه در ابتدا از گروه داعش حمایت می‌کرد و به القاعده تعلق داشت. الجولانی فعالیت نظامی خود را با دولت اسلامی عراق که در اکتبر ۲۰۰۶ توسط ابوبکر البغدادی تأسیس شده بود، از سر گرفت. او به سرعت در این ساختار پیشرفت کرد و رئیس عملیات این گروه در استان نینوا شد.

وقتی ابوبکر البغدادی در ۹ آوریل ۲۰۱۳، نام‌های دولت اسلامی عراق و جبهه النصره را لغو کرد و این دو گروه را در یک واحد جدید به نام دولت اسلامی عراق و شام ادغام کرد، الجولانی در روز بعد این تصمیم را رد کرد.

او بیعت خود را تنها با رهبری مرکزی القاعده به رهبری ایمن الظواهری اعلام کرد و گفت: «این بیعت از جانب ما، اعضای جبهه النصره و مسئول آن است و ما بیعت خود را با شیخ جهاد، شیخ ایمن الظواهری تجدید می‌کنیم و بر آن سمع و طاعت داریم.» این جبهه وارد جنگ با دولت اسلامی عراق و شام شد که از آن مناطق زیادی را از جمله مناطق نفت‌خیز سوریه تصاحب کرده بود. با این حال، تحلیلگران و ناظران می‌گویند که جبهه النصره تحت رهبری الجولانی به یکی از قوی‌ترین گروه‌های مسلح در سوریه تبدیل شد و در عملیات‌های خود علیه رژیم سوریه و مراکز امنیتی آن در سراسر سوریه جرئت و قدرت زیادی نشان داد.

سفیدشویی با کمک الجزیره

شبکه الجزیره در ری برند کردن و سفیدشویی شخصیت الجولانی نقش ویژه‌ای ایفا کرده است. اولین مصاحبه رسانه‌ای الجولانی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۳ با شبکه الجزیره بود که در برنامه لقاء الیوم پخش شد. برخی تحلیلگران در آن زمان اظهار داشتند که او فرهنگ نوعی و متنوعی دارد و پروژه دینی خاص خود را دنبال می‌کند و از اشتباهات القاعده در عراق می‌آموزد تا پروژه خود را در سوریه به پیش ببرد. آنها او را نماینده نسل جدیدی از رهبران القاعده دانستند. در این مصاحبه او اظهار داشت: «ما مسلمانان را تکفیر نمی‌کنیم؛ زیرا تکفیر مسلمان نیاز به فتوا دارد و این از صلاحیت علماست.» گفته‌هایی که کاملا خلاف مشی او در میدان بود. همچنین در این مصاحبه او در مورد آینده سوریه گفت: «ما قصد نداریم به تنهایی آینده سیاسی سوریه را بعد از سقوط نظام تعیین کنیم و نمی‌خواهیم انحصار در رهبری جامعه داشته باشیم، حتی اگر به مرحله‌ای برسیم که در آن توانمند شویم.» در مصاحبه دومش که در ماه مه ۲۰۱۵ با همان شبکه انجام داد، گفت که «ما در القاعده از انقلاب‌های بهار عربی حمایت می‌کنیم؛ زیرا رهبر القاعده، الظواهری، دستور به حمایت از این انقلاب‌ها داده است.»

وی شکست بسیاری از این انقلاب‌ها را به دلیل این دانست که «ارتش‌های منطقه میلیون‌ها دلار هزینه کرده‌اند نه برای حمایت از مردم، بلکه برای کنترل آنها اگر شورش کنند. بنابراین مردم این منطقه فقط با تشکیل ارتش‌های خود می‌توانند آزادی خود را به دست آورند.»

وی همچنین از دریافت دستوراتی از الظواهری خبر داد که تأکید داشت هدف آنها سرنگونی رژیم سوریه و متحدانش مانند حزب‌الله است و پس از آن با همکاری با شرکا، حکومت اسلامی را ایجاد کنند.

دست در جیب قطر و شبکه الجزیره

دوحه ارتباطات نزدیکی با جولانی دارد و از او پشتیبانی مالی و رسانه‌ای می‌کند و شبکه الجزیره را برای پخش پیام‌های او به کار می‌گیرد. قطر از جولانی برای انجام نقش تخریبی خود در سوریه و حمایت از گروه‌های تروریستی استفاده کرده است. قطر بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ میلیون‌ها دلار به جبهه النصره کمک کرده است. به عنوان مثال، دوحه افراد خود را برای جنگ در کنار جبهه النصره به سوریه فرستاده و سلاح در اختیار آنها قرار داده است.

به گزارش مرکز اروپایی مطالعات تروریسم، در سال ۲۰۱۵، مقامات اطلاعاتی قطر چندین بار با جولانی ملاقات کرده و وعده افزایش حمایت‌ها را در صورت انجام تغییراتی در وفاداری‌ها به او دادند. در سال ۲۰۱۶، خبرگزاری رویترز گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه امیر قطر در دیداری مخفیانه با جولانی در مورد حمایت از جنگجویان در حلب گفت‌وگو کرده است.

عملیات گسترده برای لاپوشانی مشکلات داخلی

در مناطق شمالی سوریه که تحت سیطره نیابتی‌های ترکیه است، از آغاز سال جاری میلادی اعتراضات گسترده‌ای علیه هیئت تحریر شام و فرمانده آن، ابومحمد الجولانی، شدت یافته است. این تظاهرات که از ۲۷ فوریه آغاز شده، در ماه مارس ۲۰۲۴ به مرکز شهر ادلب رسید. خواسته‌های مردم شامل چند نکته اصلی بود؛ سرنگونی الجولانی، پایان دادن به رفتارهای امنیتی سرکوبگرانه، آزادسازی زندانیان و افشای سرنوشت مفقودین و شکستن انحصار اقتصادی. این اعتراضات به یک حرکت مردمی تبدیل شد که در آن گروه‌های مختلف از جمله افراد غیرنظامی و اعضای سابق گروه‌هایی که تحت سلطه تحریر شام قرار گرفته بودند، مشارکت دارند.

این اعتراضات پس از مجموعه‌ای از تحولات داخلی در تحریر شام به اوج خود رسید. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث بروز این اعتراضات شد، بازداشت تعداد زیادی از مردم ادلب به اتهام ارتباط با خارجی‌ها و همکاری با نیروهای بیگانه بود. این اقدام موجب افزایش نارضایتی‌ها و در نهایت فشارهایی شد که باعث آزادی تدریجی این متهمان گردید. در این میان، قتل یک جنگجو به نام عبدالقادر حکیم تحت شکنجه در زندان‌های تحریر شام نیز به شدت خشم مردم را برانگیخت. تحلیلگران معتقدند که این اعتراضات به دلیل اختلافات داخلی در تحریر شام و وضعیت اقتصادی و امنیتی نامناسب در مناطق تحت کنترل این گروه تشدید شده بود. وائل علوان، پژوهشگر سوری و تحلیلگر مسائل امنیتی، اظهار کرد که «الجولانی و گروهش اکنون در تقاطع سرنوشت قرار دارند» و پیش‌بینی می‌کند که وی برای کنترل مشکلات داخلی و انجام مصالحه‌ها تلاش خواهد کرد. از آغاز این اعتراضات در مناطق تحت تسلط الجولانی پیش‌بینی می‌شد که این گروه برای فرار از مشکلات متعدد داخلی خود در مناطق تحت تسلطش به یک عملیات گسترده دست بزند.

طبق گزارش‌های شبکه حقوق بشر سوریه، از زمان تأسیس جبهه النصره در ۲۰۱۲ تا پایان ۲۰۲۱، این گروه حداقل ۵۰۵ غیرنظامی را کشته و ۲۳۲۷ نفر را به طور خودسرانه بازداشت کرده است. این سوابق، به نارضایتی‌ها دامن زده و اعتراضات را شدیدتر کرده است.

در نهایت، این اعتراضات که علیه فساد مالی، انحصار تجاری و عدم شفافیت در مورد مفقودین است، نمایانگر یک تحول بزرگ‌تر در منطقه است. این تحول نه تنها در به چالش کشیدن هیئت تحریر شام مؤثر است بلکه تأثیرات گسترده‌تری نیز بر آینده سیاسی و امنیتی سوریه خواهد داشت.